



۱ و ۲: موقعیت فعلی بستر رودخانه میانی شهر تبریز، رود- دره طبیعی شهر در قالب کانالی مصنوعی از بافت اطراف مهجور مانده است. عکس: نگارنده.

رودخانه خشک تبریز، محور پایداری شهر راهبرد احیای زیرساخت‌های طبیعی در سازمان فضایی شهر



بهار مجتهدی
کارشناس ارشد
معماری منظر

bmojtaehedi@yahoo.com

حضور طبیعت در شهر موهبتی است که شهرها با شناخت و نقش دهی به مؤلفه‌های طبیعی بستر خود می‌توانند به پایداری برسند. طبیعت شهرها گاه چنان تأثیر مستقیمی بر ساختار، منظر و موقعیت استقرار شهرها دارد که ارتقای کیفی و تبیین آن می‌تواند راهگشای بخشی از مشکلات عدیده این شهرها باشد. این موضوع در مورد رودخانه‌های فصلی یا دائمی شهر و به ویژه رودخانه خشک تبریز صادق است به طوری که مدیریت صحیح آن، نقش مهمی در کنترل کیفیت منظر شهری برعهده خواهد داشت. «مهران‌رود» (قوری چای) در کنار باغ‌های شهر (باغ‌های چایکنار) به عنوان مؤثرترین عنصر بر موقعیت استقرار هسته اولیه شهر و استخوانبندی آن در دوره‌های تاریخی، عامل اصلی تعادل و پایداری بوده است. در این مقاله سعی شده تا راهکارهایی برای باز زنده‌سازی این دو نقطه عطف طبیعی در جهت ارائه الگویی برای پایداری شهر ارائه شود.

واژگان کلیدی: رودخانه خشک تبریز، باغ‌های چایکنار (رودکنار)، نقطه عطف طبیعی، منظر شهری، پایداری.

حضور طبیعت در شهر

طبیعت، بستر شکل‌گیری شهر است و هرچقدر هم که محیط، انسان ساخت باشد در آن حضور دارد. در مقیاس کلان، تأثیر طبیعت بر شهرهای سنتی شکل و موقعیت استقرار آنها را که درحقیقت پاسخی به نیروهای طبیعی بستر است، در برمی‌گیرد. معمولاً شهر در بستری پرفراز و نشیب بر دامنه کوه در ضلع رو به آفتاب شکل گرفته، پشت به بادهای نامطلوب و رو به بادهای مطلوب داشته و نسبت به اقلیم زمینه خود با شکلی درونگرا یا برونگرا با فرایندهای طبیعی محیط سازگار شده است.

شهرهای شاخص و به یادماندنی، شهرت جهانی خود را یا مدیون پتانسیل بالای طبیعی و موقعیت مکانی چشمگیر خود است (ریو دوژانیرو، ناپل و سانفرانسیسکو) و یا اینکه در اصل با دستاوردهای انسانی خود شاخص شده است (ونیز، آمستردام و پاریس) شهرهای نامبرده به دلیل حفظ و

احیای طبیعت شهری خود و نه انهدام آن شهرت یافته‌اند (پراورنزو و دیگران، ۱۳۸۷). تنها در مواردی که جنبه‌های طبیعی بستر شهری شاخص نبوده، برای خلق برتری‌ها به دستاوردهای انسانی روی آورده می‌شود.

رویکردهای عمده به طبیعت شهری

الف) رویکرد کل‌نگر: در صورت درک و نقش دهی به زیرساخت‌های طبیعی، شهر در آرمانی‌ترین وضعیت، واجد صفت پایداری می‌شود. این امر نیازمند رویکردی کل‌نگر در برخورد با طبیعت شهری است. رویکردی که طبیعت و شهر را توأمان و به عنوان یک سیستم تلقی کند.

در این تفکر سیستمی، طبیعت و شهر زیرمجموعه‌هایی هم‌تراز از یک مجموعه هستند که سلامت و بقای هریک در گرو سلامت و بقای دیگری و نهایتاً در گرو سیستمی سالم است. در این رویکرد انسان و طبیعت هر



• **شبکه باغ‌های شهر:** باغ‌های تاریخی همواره نقش کلیدی در منظر شهری تبریز برعهده داشته است. باغ‌های رسمی در نزدیکی هسته و مرکزیت شهر مستقر بودند و باغ‌های مثمر که همجوار با بستر طبیعی رودخانه شکل گرفته، قلمرو شهر را تشکیل می‌دادند. این باغ‌های قلمرو شهر، چایکنار (رودکنار) نامیده می‌شود.

هرچند که باغ‌ها بدنه‌هایی صرفاً طبیعی و به دور از مداخلات انسانی نیستند، ولی جنبه طبیعی آنها که در تقابل با محیط مصنوع شهری است جزء سامانه‌های طبیعی شهر ارزیابی می‌شود. از دید جان دیکسون هانت^۲ و انسان گرایان قرن شانزدهم که وی از آنها نقل می‌کند، باغ‌ها، طبیعت سوم هستند. زیرا بیانی آگاهانه از طبیعت‌های اولیه^۳ و ثانویه^۴ و یا یک تفسیر هنری از مکانی خاص برای مردمانی خاص است (اسپین، ۱۳۸۷). طبیعت سوم همانند طبیعت ثانویه نتیجه اعمال تغییرات انسانی بر طبیعت اولیه است با این تفاوت که هدف این مداخله نه تنها مرتفع‌سازی نیازهای کاربردی نبوده، بلکه نیازهای معنوی و زیبایی‌شناسی را نیز در بر می‌گیرد. اقدامات سال‌های اخیر، مهران‌رود را که به درازای ۱۸ کیلومتر، شرق شهر را به غرب آن متصل می‌سازد و زیرساخت طبیعی شهر تبریز به حساب می‌آید به بوته فراموشی سپرده و راه را برای تضعیف دیگر زیرساخت طبیعی شهر یعنی باغ‌های چایکنار (رودکنار) گشوده است. با کم جریان شدن آب رودخانه به دلیل برداشت‌های بی‌رویه کشاورزی مدرن از آن قبل از ورود به شهر و به دنبال اقدامات مدرن‌سازی پهلوی اول، بستر طبیعی به کانالی مصنوع تبدیل شد و مهم‌ترین مسیر شریانی شهر (دسترس‌ی تندرو) در طرفین آن قرار گرفت. بدین ترتیب رودخانه به کلی از صحنه حیات شهری خارج شد، حلقه ارتباطی آن با باغ‌های اطراف گسست و نقش رودخانه‌ای آن از بین رفت (تصاویر ۱ و ۲).

در دهه‌های اخیر فراموشی رودخانه شهر تبریز براساس رویکرد تفکیک شهر و طبیعت بوده است. تضعیف رودخانه علاوه بر اینکه در کارکرد آن به عنوان منبع آبیاری باغ‌های مثمر چایکنار (رودکنار) خلل وارد ساخت، از

دو آرمان هستند و مداخلات انسانی نه به دلیل توجه به یکی از این دو، بلکه براساس درجه سودمندی به سیستم منظر ارزش‌گذاری می‌شود (Motloch, 2001).

(ب) رویکرد تفکیک شهر و طبیعت: آنچه به تضعیف و نهایتاً نابودی طبیعت شهرها می‌انجامد، رویکرد تفکیک انسان و مصنوعات او (شهر) از طبیعت با برترانگاری یکی از این دو حوزه است. جدایی بین خود و محیط اطراف آن گونه که «دکارت» مطرح می‌کند، پدیده‌ای است که به طور خاص در فرهنگ‌های آمریکای شمالی و اروپا مورد توجه قرار دارد. برطبق این رویکرد، محیط طبیعی عینیتی است در تقابل با ذات انسان. حال برتری با انسان باشد یا با طبیعت، این برخورد شیء گونه با طبیعت موجب مشکلات عدیده‌ای است به ویژه زمانی که در تعامل با طبیعت، اصالت به انسان داده شود و حدود اختیارات او در برآوردن منافع انسانی از طریق دخل و تصرف در طبیعت، بی‌حد و حصر قلمداد شود. به زعم «سایمون بل»^۱ زمانی که ما انسان‌ها به طبیعت به عنوان یک شیء یا طرف مقابل نگاه می‌کنیم: "باید آن را رام کرده یا شکست دهیم. مخصوصاً هنگامی که نیروهای سرکش آن یعنی آتش، سیل، زلزله و طوفان، محصول فعالیت مان را که به گمان خودمان مهم‌ترین چیز است از بین می‌برد. این موضوع نشانه عدم درک فرایندهای منظر و خصوصیات فرهنگی اطرافمان است" (بل، ۱۳۸۶: ۹۰).

زیرساخت‌های طبیعی شهر تبریز

شهر تبریز در مقیاس کلان سه زیرساخت طبیعی دارد:

- **ارتفاعات سرخ‌فام شمالی شهر:** تبریز دره‌ای است محدود به ارتفاعات شمالی و جنوبی که کوه‌های شمالی به دلیل ارتفاع، تسلط و رنگ شاخص از مهم‌ترین مؤلفه‌های خوانایی شهر به شمار می‌رود.
- **رودخانه خشک قوری‌چای یا مهران‌رود:** خط القعر دره‌ای که شهر تبریز بر آن مستقر است، رودخانه کم‌جریانی است که موجب محوری طبیعی از شرق تا غرب شهر است.

نظر ذهنی نیز راه را برای نابودی این باغ‌ها (حلقه دیگر از چرخه طبیعی شهر) گشود. بدین ترتیب توسعه شهر که همواره به سمت شمال، جنوب و اندکی در شرق دچار محدودیت حاصل از ارتفاعات بود، مجال رسوخ در باغ‌های داخل شهر یافت و باغ-شهر تبریز که در کمتر توصیف نگاری و سیاحت‌نامه‌ای از وصف وفور و طراوت باغ‌های آن فروگذاری شده و حمدالله مستوفی آن را «شهر باغات» می‌نامد (تصویر ۳) امروز با از دست دادن شبکه باغ‌های خود و دگرگونی در منظر دیرآشنای طبیعی-تاریخی شهر، دچار معضل جدی فقر فضای سبز و تضعیف حس تعلق شهروندان شده است.

احیای نقاط عطف طبیعی شهر، راهکاری برای پایداری

رویه احیای زیرساخت‌های طبیعی شهر به ویژه با رونق گرفتن مبانی پایداری در توسعه، تبدیل به پارادایم روز جهانی شده تا حدی که هر رویکردی جز این باشد و به اصطلاح، اخلاقیات محیطی را در بطن خود نداشته باشد، مطرود است. در مورد شهر تبریز نیز برای احیای محور طبیعی متشکل از رودخانه و باغ‌های رودکنار در جهت کنترل منظر شهری و به طور کلی پایداری شهر سه راهکار زیر توصیه می‌شود:

- در گام نخست کیفیات حداقلی از ماهیت سابق رودخانه بازسازی شود. بدین منظور ریخت این جزیره طبیعی متروک باید به رود-دره‌ای نفوذپذیر به لحاظ بصری و فیزیکی مانند آنچه در سابق بوده تبدیل شود (تصاویر ۴ و ۵)؛ چراکه مردم اگر به طبیعت شهری خود دید نداشته و ارتباط نزدیک با آن برقرار نکنند، حس تعلق در آنها ایجاد نمی‌شود و همین عدم

احساس تعلق است که راه به نابودی این مؤلفه‌های طبیعی می‌برد. توسعه وضع طبیعی با ملاحظه پتانسیل‌های این نقطه عطف شهری به طرق زیر میسر است:

۱. تاکید و نقش دهی به حضور آب در شهر با کاربرد آن در دو حالت حرکت و سکون، استفاده از خصوصیات نمایشی آب و ایجاد جزایر مصنوعی.
۲. در نظر گرفتن رودخانه در ظرف طبیعی با تبدیل کانال مصنوع به بستر طبیعی و توجه به مورفولوژی و پیچ‌های طبیعی جریان آب.
۳. کاربرد پوشش گیاهی برای تشدید روحیه طبیعی بستر و ایجاد وحدت و یکپارچگی میان بخش‌های مختلف این راسته خطی.
۴. استفاده از حاشیه خرد تجاری و خدماتی
۵. عدم تحمیل عناصر انسان‌ساخت به فضای طبیعی

رویه احیای زیرساخت‌های طبیعی شهر به ویژه با رونق گرفتن مبانی پایداری در توسعه، تبدیل به پارادایم روز جهانی شده تا حدی که هر رویکردی جز این باشد و به اصطلاح، اخلاقیات محیطی را در بطن خود نداشته باشد، مطرود است.

در صورت درک و نقش دهی به زیرساخت‌های طبیعی، شهر در آرمانی‌ترین وضعیت، واجد صفت پایداری می‌شود. این امر نیازمند رویکردی است که طبیعت و شهر را توأمان و به عنوان یک سیستم تلقی کند.

۳: نقشه دارالسلطنه تبریز، نسبت باغ (لکه‌های سبز) به شهر حائز اهمیت است. مأخذ: فخاری تهرانی و دیگران، ۱۳۸۵.



مترمکعب بر ثانیه آن در صورت برنامه‌ریزی مناسب، قابلیت کارکرد در جهت آبیاری بخش عمده‌ای از این باغ‌ها را داراست.

• در کنار ایجاد پیوند ذهنی و عینی شهروندان با رودخانه، محور طبیعی مغفول شهر باید به کریدوری فعال در قالب پارک و تفرجگاهی خطی با رویکرد اجتماعی تبدیل شود. این امر دو نیاز عمده شهر (فضای سبز و فضای جمعی) را مرتفع ساخته، به دلیل امتداد محور سبز در پیکره شهر از شرق تا غرب، زیست بوم آن را به طور کلی متأثر می‌نماید.



۵: پیوند عینی-ذهنی و دسترسی نزدیک به رودخانه شهر در گذشته، محدوده مسجد-مدرسه صاحب الامر تبریز. مأخذ: فلانندن وکست (سلطان‌زاده، ۱۳۷۶).

• نظر به اینکه در جهت پایداری شهر، رودخانه و شبکه باغ‌های اطراف آن باید به صورت یکپارچه مورد ملاحظه قرار گیرند، در کنار احیای ماهیت سابق رودخانه، باز زنده سازی این باغ‌ها امری حیاتی نیز به شمار می‌رود. این اقدام چندان دور از ذهن نیست چرا که اولاً موقعیت استقرار باغ‌های رودکنار تا حدود زیادی به دور از تراکم شهری است و مداخلات شهری حریم طبیعی آنها را به کلی از بین نبرده است. ثانیاً رودخانه شهر به رغم سابقه پر جریان بودن خود، «خشک» نامیده می‌شود و جریان کنونی ۴



۴: حریم طبیعی و کمرنگ میان رودخانه و بافت شهری، کروکی ترسیم شده از پل ارتباطی بازار و مجموعه صاحب الامر تبریز. مأخذ: دوهوسه (سلطان‌زاده، ۱۳۷۶).

جمع بندی

مؤلفه‌های طبیعی شهر، کمیت‌هایی است که در صورت ادراک اهمیت و نقش دهی به آنها با سه بعد کارکردی، زیبایی و هویتی خود کیفیت منظر شهری را کنترل می‌نماید. تحصیل تأثیر مثبت از طبیعت شهری در گرو دیدگاهی کل نگر و تفکری سیستمی است که شهر و طبیعت را زیر مجموعه‌هایی هم‌تراز از یک سیستم واحد در نظر گیرد. با توجه به توسعه‌های اخیر شهرها که به بهای نادیده گرفته شدن و حتی نابودی بستر طبیعی صورت می‌گیرد، شهرها برای رسیدن به پایداری ناگزیر از توجه به زیرساخت‌های طبیعی خود است تا در مطلوب‌ترین حالت بتواند با حفاظت و باززنده‌سازی این سامانه‌ها به پایداری و بقا دست یابد. بستر رودخانه خشک تبریز مهم‌ترین زیرساخت طبیعی، مؤثرترین عامل بر سازمان فضایی و محور پایداری شهر در دوره‌های تاریخی بوده است که تأثیرگذارترین راهکار برای بازگرداندن آن به صحنه حیات شهری، درکنار جبران فقر شدید فضای سبز، احیای شبکه باغ‌های متمر چایکنار (رودکنار) و تبدیل محور مغفول طبیعی شهر به پارک و تفرجگاهی خطی است. بدین ترتیب با احیای دو نقطه عطف طبیعی در مقیاس کلان (رودخانه و باغ‌های رودکنار) روند توسعه فعلی شهر که حاصلی جز ناپایداری هر چه بیشتر ندارد به پایداری نزدیک می‌شود.

پی نوشت

۱. Simon Bell

۲. John Dickson Hunt

۳. "طبیعت اولیه: به مفهوم طبیعتی است که دست انسان آن را دگرگون نساخته و تبدیل به «طبیعت ثانویه» نکرده باشد" (اسپیرن، ۱۳۸۷: ۴۱). طبیعت اولیه، بکر و به دور از کوچکترین دخل و تصرف انسانی است.

۴. طبیعت ثانویه، نتیجه اعمال تغییرات انسانی بر طبیعت اولیه برای رفع نیازهای کارکردی صرف است (اسپیرن، ۱۳۸۷).

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نگارنده "تحت عنوان طراحی منظر پایدار رودخانه خشک تبریز با تأکید بر احیای شبکه باغ‌های چایکنار" است که به راهنمایی دکتر سید امیر منصوری و دکتر محمد مهدی محمودی در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه تهران دفاع شده است.

منابع

- ۱- اسپیرن، آن ویستون (۱۳۸۷) *زیان منظر*، ترجمه: بهناز امین زاده. چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ۲- بل، سایمون (۱۳۸۶) *منظر، الگو، ادراک و فرایند*، ترجمه: بهناز امین زاده. چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ۳- پرورنزو، کلود؛ دوآن، فیلیپ؛ پیکون لوفور، ویرجینی و سیمونه، سریل (۱۳۸۷) *طراحی شهری و معماری کنار آب*، وحید شالی امینی. چاپ اول، تهران، شرکت عمران و مسکن سازان هرمزگان.
- ۴- سلطان زاده، حسین (۱۳۷۶) *تبریز خشتی استوار در معماری ایران*، چاپ اول، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- ۵- فخاری تهرانی، فرهاد؛ پارسی، فرامرز؛ بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵) *بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*، چاپ اول، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.
- ۶- Motloch, John L. (2001) *Introduction to Landscape Design*, 2nd edition, John Wiley and Sons, Inc. New York.

